

## مقاله پژوهشی اصیل

# ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های هویت

علی خدایی<sup>۱</sup>

مری دانشگاه پیام نور بیجار

امید شکری

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم

دکتر الیزابتا کروسیتی

دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه ماسراتا، ایتالیا

فریبرز گراوند

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد

**هدف:** بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های هویت. روش: اجرای پرسشنامه سبک‌های هویت و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی در ۲۷۶ دانشجو (۱۵۸ پسر و ۲۱۸ دختر) که به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند. ساختار سه‌عاملی سبک‌های هویت و ساختار تک‌عاملی تعهد هویت به کمک تحلیل عاملی تأییدی تحلیل شدند. یافته‌ها: نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که الگوی سه‌عاملی سبک هویت و الگوی تک‌عاملی تعهد هویت با داده‌ها برازندگی قابل‌قبولی دارند. ضرایب آلفای کرونباخ سبک‌های هویت و تعهد هویت مبین پایایی، و ضرایب همبستگی بین سبک‌های هویت و تعهد با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی نمایانگر روایی همگرای این پرسشنامه است. نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر، ثبات ساختار عاملی پرسشنامه سبک‌های هویت و اعتبار این پرسشنامه را برای سنجش فرآیندهای اجتماعی - شناختی مربوط به شکل‌گیری هویت در دانشجویان ایرانی نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ساختار عاملی، ویژگی‌های روان‌سنجی، پرسشنامه سبک‌های هویت

## مقدمه

برزونسکی (۱۹۹۲) به منظور سنجش سبک‌های هویت افراد یا شیوه مرجع آنها در مواجهه با تکالیف رشدی، پرسشنامه سبک‌های هویت<sup>۱</sup> (ISI) را طراحی کرد. او خاطر نشان می‌سازد که محققان علاقه‌مند به ISI، از این پرسشنامه برای طیف وسیعی از مطالعات و جمعیت‌های متفاوت استفاده کرده‌اند (برزونسکی، ۲۰۰۴). لذا، محققان پژوهش حاضر با آگاهی از این مهم، بررسی گزارش ساختار عاملی، روایی و پایایی نسخه فارسی ISI را هدف قرار دادند. کروسیتی<sup>۲</sup>، روینی<sup>۳</sup>، برزونسکی و میوس<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی، ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی ISI را در نمونه‌ای از نوجوانان و دانشجویان ایتالیایی بررسی کردند. در این پژوهش، نتایج تحلیل عاملی تأییدی<sup>۵</sup>، ساختار سه‌عاملی سبک

در دیدگاه شناختی - اجتماعی برزونسکی<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، در پردازش و شیوه مرجع افراد در مواجهه با اطلاعات و موضوعات مرتبط با هویت، برخی تفاوت‌های سبکی<sup>۷</sup> فرض می‌شوند. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی<sup>۸</sup> خود تأمل‌گر بوده و اطلاعات مربوط به خود را فعالانه جست‌وجو می‌کنند. آنان که سبک هویت هنجارین<sup>۹</sup> دارند، عمدتاً مفروضات ذهنی و ارزش‌های افراد مهم را پذیرفته و با انتظارات آنها هم‌نوا می‌کنند. در نهایت، افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی<sup>۱۰</sup> همواره می‌کوشند تا حد امکان از مواجهه با موضوعات مرتبط با هویت اجتناب کنند (برزونسکی، ۱۹۸۹؛ برزونسکی، ۱۹۹۰؛ برزونسکی و نیمیر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۴؛ برزونسکی و فراری<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۶؛ برزونسکی، ۲۰۰۳؛ برزونسکی، ۲۰۰۸).

2- Berzonsky  
4- informational identity style  
6- diffuse-avoidance identity style  
7- Neimeyer  
9- Identity Style Inventory  
11- Rubini  
13- confirmatory factor analysis

3- stylistic differences  
5- normative identity style  
8- Ferrari  
10- Crocetti  
12- Meeus

۱- نشانی تماس: کردستان، شهرستان بیجار، دانشگاه پیام نور بیجار، گروه روان‌شناسی.

Email: akhodaie@gmail.com

(۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد، در حالی که وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند، شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد. به عبارت دیگر، افراد دارای سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجارین در مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری ندارند. در مقابل، نتایج مطالعه شکر، تاجیک اسمعیلی، دانشورپور، غنایی و دستجردی (۱۳۸۶) نشان داد که اجتناب از مواجهه با مسایل مربوط به هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش نشان داد که نه تنها وجود تعهد، بلکه شیوه مرجع افراد در مواجهه با تکالیف و موضوعات مربوط به هویت در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی افراد بسیار مهم است. نتایج پژوهش فیلیپس<sup>۹</sup> و پیتمن<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) نشان داد که افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی، در مقایسه با مشارکت‌کنندگان دارای سبک اطلاعاتی و هنجارین، در برخی از شاخص‌های چندگانه بهزیستی (شامل عزت نفس، خوش‌بینی و باورهای خودکارآمدی) نمرات پایین‌تر، و در ابعاد نگرش‌های بزهکارانه و نامیدی نمرات بالاتری کسب کردند. همچنین، نتایج این مطالعه نشان داد که در شاخص‌های فوق بین افرادی که سبک‌های اطلاعاتی و هنجارین دارند، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج مطالعه لویکس<sup>۱۱</sup> و همکاران (۲۰۰۷) که هدف آن بررسی نقش تعدیل‌کننده متغیرهای خودمختاری و خودتأمل‌گری و خودنشخوارکنندگی در رابطه بین سبک پردازش هویت اطلاعاتی با تثبیت هویت و بهزیستی کلی در دانشجویان بود، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی در پیش‌بینی شاخص‌های بهزیستی در شرایط خودمختاری کم و خودنشخوارکنندگی بالا کمتر، و در شرایط خودمختاری و خودتأمل‌گری بالا بیشتر بهینه می‌باشد.

هویت و ساختار تک‌عاملی تعهد هویت<sup>۱</sup> را در نوجوانان و دانشجویان نشان داد. علاوه بر این، نتایج این مطالعه، بر تغییرناپذیری<sup>۲</sup> ساختار سه‌عاملی سبک هویت و ساختار تک‌عاملی تعهد هویت در گروه‌های سنی و جنسی تأکید کرد. همسو با دیدگاه اریکسون<sup>۳</sup> (۱۹۶۳)، به نقل از ولوراس<sup>۴</sup> و بوسما<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) درباره رابطه بین شکل‌گیری هویت مطلوب با قضاوت فردی مناسب، احساس یکپارچگی درونی و ظرفیت خوب عمل کردن (آنچه می‌تواند به عنوان ویژگی‌های افراد سالم از نظر روان‌شناختی محسوب شود)، محققان پژوهش حاضر، همسو با ادبیات تحقیق، بررسی رابطه بین همبسته‌های متفاوت مقیاس‌های *ISI* و ابعاد بهزیستی روان‌شناختی<sup>۶</sup> را هدف دیگر خود قرار دادند. در این بین، نتایج مطالعه برزونسکی و کاک<sup>۷</sup> (۲۰۰۵) در بررسی نقش تفاوت‌های فردی دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های هویت و رابطه آنها با رسش<sup>۸</sup> روان‌شناختی نشان داد که دانشجویان دختر، در مقایسه با دانشجویان پسر، روابط بین فردی صمیمانه‌تری دارند و عقاید دیگران را بیشتر تحمل می‌کنند. در مقابل، پسران نسبت به دختران سبک زندگی سالم‌تری نشان دادند. نتایج مطالعه آنان همچنین نشان داد که دانشجویان دارای سبک اطلاعاتی، در مقایسه با دانشجویان دارای سبک‌های هویت هنجارین و سردرگم، در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت با خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری کسب کردند.

همچنین، در مقایسه با دانشجویان دارای سبک هویت سردرگم، دانشجویانی که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجارین دارند در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع‌بینی، نقشه‌های طولانی‌مدت برای زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری گرفتند. علاوه بر این، نتایج مطالعه فوق نشان داد که دانشجویان دارای سبک هویت اطلاعاتی، در مقایسه با دانشجویان دارای سبک هویت سردرگم، سالم‌تر بوده و از سبک زندگی بهتری برخوردارند. نتایج پژوهش ولوراس و بوسما

1- commitment	2- invariance
3- Erikson	4- Vleioras
5- Bosma	6- psychological wellbeing
7- Kuk	8- maturity
9- Phillips	10- Pittman
11- Luyckx	

روایی همگرایی<sup>۱</sup> لازم برخوردار است یا خیر، مطالعه رابطه بین همبسته‌های مرتبط (مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی) با مقیاس‌های *ISI* نیز مدنظر بوده است.

## روش

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های شهر بیرجند تشکیل می‌دادند. این دانشجویان که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ مشغول به تحصیل بودند، از بین ۳۷۶ دانشجو (۱۵۸ پسر و ۲۱۶ دختر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت کنندگان در پژوهش در رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و پزشکی تحصیل می‌کردند. میانگین کلی سن دانشجویان ۲۱/۵۷ (انحراف معیار ۴/۰۶ و دامنه ۱۸-۴۵)، میانگین سنی دانشجویان پسر ۲۲/۱۳ (انحراف معیار ۴/۹۸ و دامنه ۱۸-۴۵) و میانگین سنی دانشجویان دختر ۲۱/۱۶ (انحراف معیار ۳/۱۷، دامنه ۱۸-۴۲) بود.

## ابزار پژوهش

**الف- پرسشنامه سبک‌های هویت:** پرسشنامه سبک‌های هویت (*ISI*) را اولین بار برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرآیندهای شناختی - اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسایل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی کرد. براساس دیدگاه برزونسکی، نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه که شامل ۴۰ سؤال است، سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی را ارزیابی می‌کند. پاسخ هر سؤال روی یک طیف پنج‌درجه ای («کاملاً مخالف»=۱، «مخالف»=۲، «تا حدودی موافق»=۳، «موافق»=۴، «کاملاً موافق»=۵) مشخص می‌شود. در پژوهش کروسیتی و همکاران (۲۰۰۸) ضرایب آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم

شایان ذکر است که در این پژوهش به دلیل برخی انتقادهای وارد بر تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۱</sup>، که اساساً به منظور توصیف ساختار عاملی یک ابزار انجام می‌شود، برای آزمون ساختار عاملی توصیف شده به وسیله تحلیل عاملی اکتشافی، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد (گیلز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). علاوه بر این، رویکرد تحلیل عامل اکتشافی به دلیل اصرار بر تعیین ساختار نمرات مقیاس، با تأکید بر آمار (به‌جای نظریه) و به دلیل ناتوانی در اندازه‌گیری خطا با انتقاد جدی مواجه است (هنسون<sup>۳</sup>، کاپرارو<sup>۴</sup> و کاپرارو، ۲۰۰۴؛ تامپسون<sup>۵</sup> و دایتل<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶). دیکی<sup>۷</sup> (۱۹۹۶) بر این باور است که تحلیل عاملی اکتشافی نمی‌تواند به تنهایی مبنایی برای تعیین ساختار عاملی زیربنایی یک ابزار باشد. او در تبیین این نکته اشاره می‌کند که این روش تحلیل، به منظور به حداکثر رساندن مقدار واریانس در درون مجموعه متغیرهای کنونی طراحی می‌شود، در حالی که تحلیل‌های بعدی با مجموعه‌ای دیگر از داده‌ها نمی‌تواند همان ساختار عاملی را بازتولید کند.

در سال‌های اخیر، محققان ایرانی علاقه‌مند به دیدگاه شناختی - اجتماعی برزونسکی نشان داده‌اند که بین سبک‌های پردازش هویت و برخی مفاهیم روان‌شناختی مهم نظیر بهزیستی روان‌شناختی (شکری و همکاران، ۱۳۸۶)، پیشرفت تحصیلی (حجازی، شهرآرای، فارسی‌نژاد و عسگری، ۲۰۰۹)، همدلی (فیض‌آبادی، فرزاد و شهرآرای، زیرچاپ) و صمیمیت اجتماعی (دانشورپور، تاجیک اسمعیلی، شهرآرای، فرزاد و شکری، ۱۳۸۶) رابطه وجود دارد. بر این اساس، محققان پژوهش حاضر، با آگاهی از ضرورت بررسی دقیق ساختار ابعادی نسخه فارسی *ISI*، مطالعه ساختار عاملی، ویژگی‌های روان‌سنجی و روابط بین سبک‌های هویت با خرده مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی را هدف قرار داده‌اند. بی‌شک، نتایج قطعی‌تر درباره تکرار ساختار عاملی *ISI* در ایران، شواهد لازم مبنی بر تأکید بر نبود تفاوت‌های فرهنگی چشمگیر در سبک‌های پردازش هویت را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، در پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی ساختار عاملی *ISI* به منظور پاسخ به این سؤال که آیا *ISI* از

1- exploratory factor analysis  
2- Giles  
3- Henson  
4- Capraro  
5- Thompson  
6- Daniel  
7- Dickey  
8- convergent validity  
9- seales of psychological  
10- Cronbach's alpha

یک ساختار سلسله‌مراتبی را نشان می‌دهد که تمایز سازه‌های<sup>۱۱</sup> شش‌گانه و همچنین وجود یک فراسازه<sup>۱۲</sup> بهزیستی روان‌شناختی را بازشناسی می‌کند. در مجموع، شواهد نشان می‌دهد که مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی از شش بعد تقریباً متمایز تشکیل شده است و محققان باید در تفسیر زیرمقیاس‌های آن محتاط باشند.

## روش

تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که برای آماده سازی *ISI* در نمونه ایرانی، این پرسشنامه ابتدا به فارسی ترجمه و سپس از دو متخصص زبان انگلیسی خواسته شد که آن را به انگلیسی برگردانند. تفاوت بین نسخه‌های انگلیسی و فارسی ارزیابی شد و از طریق فرآیند مرور مکرر<sup>۱۳</sup> به کمترین حد ممکن کاهش یافت. بر این اساس، مترادف معنایی دو نسخه فارسی و انگلیسی به دقت مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه چند نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه، روایی محتوا<sup>۱۴</sup> و تطابق فرهنگی این پرسشنامه را تأیید کردند. پس از آماده شدن ابزار، با انجام نمونه‌گیری، نمونه موردنظر انتخاب و *ISI* و *SPWB* به طور گروهمی و در کلاس‌های درس به آنها ارائه گردید. دستیاران محقق در کلاس‌های درس ضمن اشاره به اهداف مطالعه، بر مشارکت کاملاً داوطلبانه دانشجویان در این پژوهش بسیار تأکید کردند. پس از توزیع پرسشنامه‌ها و قبل از پاسخ به سؤال‌ها، دستیاران با صدای بلند دستورعمل را برای دانشجویان خواندند و از آنها خواستند که به تمام سؤال‌ها پاسخ دهند. در نهایت، پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آنها به رایانه، با توجه به اهداف مطالعه، با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرل<sup>۱۵</sup> (*LISREL*) و *SPSS* داده‌ها تحلیل شد.

- اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۵۸، ۰/۷۵، ۰/۷۲ به دست آمد. در مطالعه حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجارین، سردرگم - اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۵۳، ۰/۶۵، ۰/۷۲ به دست آمد.

ب- مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی<sup>۱</sup>: در این پژوهش به منظور بررسی بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی (*SPWB*) ریف<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) استفاده شد. در این مقیاس‌ها پاسخ به هر سؤال روی یک طیف شش‌درجه ای (از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق») مشخص می‌شود. هر مقیاس شامل ۱۴ سؤال است که ابعاد بهزیستی روان‌شناختی مدل ریف (۱۹۸۹)، مشتمل بر پذیرش خود<sup>۳</sup>، تسلط بر محیط<sup>۴</sup>، روابط مثبت مثبت با دیگران<sup>۵</sup>، هدف زندگی<sup>۶</sup>، رشد فردی<sup>۷</sup> و خودمختاری<sup>۸</sup> را خودمختاری<sup>۹</sup> را ارزیابی می‌کند. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه اصلی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی قابل قبول گزارش شدند (ریف، ۱۹۸۹؛ به نقل از کییز<sup>۱۰</sup>، شومتکین<sup>۱۱</sup> و ریف، ۲۰۰۲). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی پذیرش خود، تسلط بر محیط، روابط مثبت با دیگران، هدف زندگی، رشد فردی و خودمختاری به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۷، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۷۳، ۰/۶۰ به دست آمد. شکری، کدیور، فرزاد، دانشورپور، دستجردی و پاییزی (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف بررسی ساختار عاملی نسخه‌های فارسی ۳، ۹ و ۱۴ سؤالی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی نشان دادند که اگرچه الگوی چند بعدی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی در نسخه ۱۴ سؤالی برازندگی قابل قبولی با داده‌ها دارد، الگوی سلسله‌مراتبی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی برای نسخه‌های مزبور برازندگی بهتری به دست می‌دهد. همچنین، نتایج نشان داد که در این نمونه الگوی تک‌عاملی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی برای نسخه ۱۴ سؤالی یک الگوی اندازه‌گیری غیرقابل قبول است. نتایج این پژوهش، یافته‌های برخی از مطالعات پیشین را تکرار و از الگوی سلسله‌مراتبی با یک عامل مرتبه بالاتر بهزیستی روان‌شناختی حمایت می‌کند. الگوی عاملی مرتبه دوم،

1- Scales of Psychological Well-Being	
2- Ryff	3- self-acceptance
4- environmental mastery	5- positive relations with others
6- purpose in life	7- personal growth
8- autonomy	9- Keyes
10- Shmotkin	11- constructs
12- meta-construct	13- iterative review process
14- content validity	15- Linear Structural Relations

به منظور سنجش ساختار سه‌عاملی ۳۰ سؤال مربوط به سبک‌های هویت و ساختار تک‌عاملی و ۱۰ سؤال تعهد هویت، بسته‌های سؤال<sup>۱۶</sup> به‌طور تصادفی برای هر سازه به متاب‌ه نشانگرهای متغیرهای مکنون ایجاد شدند. در این پژوهش، بسته‌های سبک پردازش هویت شامل سه و چهار سؤال، و نیمی از بسته‌های تعهد هویت شامل سه سؤال و نیمی دیگر شامل دو سؤال می‌باشد. کاهش تعداد متغیرهای قابل مشاهده با کاهش تأثیر ناهنجار بودن در سطح سؤال<sup>۱۷</sup> (باندالس<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۲) و همچنین کاهش تعداد منابع خطای نمونه‌گیری همراه است (مک کالوم، ویدامان<sup>۱۹</sup>، زانگ<sup>۲۰</sup> و هانگ<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۹). باگازی<sup>۲۲</sup> و هیترتن<sup>۲۳</sup> (۱۹۹۴) خاطرنشان می‌سازند در مواقعی که تعداد سؤال‌های مقیاس برای هر سازه بیش از پنج و حجم نمونه نیز بالاست، تلفیق<sup>۲۴</sup> سؤال‌ها پیشنهاد می‌شود.

ساختار سه‌عاملی *ISI* در شکل (۱) ارائه شده است. سبک هویت اطلاعاتی با سبک هویت هنجارین رابطه مثبت و معنادار، و با سبک هویت سردرگم-اجتنابی رابطه منفی و معنادار نشان می‌دهد. رابطه سبک هویت هنجارین و سردرگم-اجتنابی نیز منفی و معنادار به‌دست آمد. همه ضرایب مسیر الگوهای سه‌عاملی از لحاظ آماری معنادار است ( $p < 0.05$ ). شاخص‌های برازندگی الگوی سه‌عاملی سبک‌های پردازش هویت برازندگی خوبی با داده‌ها نشان می‌دهند (جدول ۲).

ساختار تک‌عاملی تعهد هویت *ISI* در شکل (۲) گزارش شده است. همه ضرایب مسیر الگوهای سه‌عاملی و تک‌عاملی از لحاظ آماری معنادار است ( $p < 0.05$ ). شاخص‌های برازندگی الگوی سه‌عاملی سبک‌های پردازش هویت برازندگی خوبی با داده‌ها دارند (جدول ۲).

در تحلیل عاملی تأییدی از روش بیشترین احتمال برای برآورد الگو و از برخی شاخص‌های دیگر برای بررسی برازندگی الگو استفاده شد. هو<sup>۱</sup> و بتلر<sup>۲</sup> (۱۹۹۹، ۱۹۹۵) اشاره می‌کنند که شاخص-شاخص‌های چندگانه ارزیابی جامعی از برازندگی الگو ارائه می‌دهند. در این پژوهش، شاخص مجذور کای<sup>۳</sup> ( $\chi^2$ )، شاخص مجذور کای بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص برازندگی مقایسه‌ای<sup>۴</sup> (CFI)، شاخص برازندگی انطباق<sup>۵</sup> (GFI)، شاخص تعدیل‌شده برازندگی<sup>۶</sup> انطباق (AGFI)، جذر میانگین مربعات باقی‌مانده<sup>۷</sup> (RMSR) و جذر میانگین مربعات خطای تقریب<sup>۸</sup> (RMSEA) گزارش شده است. اگر مجذور کای از لحاظ آماری معنادار نباشد، بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌گردد (کوینتانان<sup>۹</sup> و ماکسول<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹). مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI، GFI، AGFI (بیرن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۴) و مقدار کوچک‌تر از ۰/۰۶ برای شاخص‌های RMSEA و RMSR (هو و بتلر، ۱۹۹۹؛ مک کالام<sup>۱۲</sup>، براون<sup>۱۳</sup> و سوگاواریا<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۶) بر برازندگی مناسب و مطلوب دلالت دارند.

## یافته‌ها

### ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های هویت

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف معیار و ضرایب آلفای کرونباخ را برای *ISI* نشان می‌دهد. ترتیب ضرایب آلفای کرونباخ برای *ISI* از ۰/۵۳ تا ۰/۷۲ به دست آمد که نشان‌دهنده سطوح قابل قبول همسانی درونی<sup>۱۵</sup> برای سبک‌های هویت و تعهد هویت است.

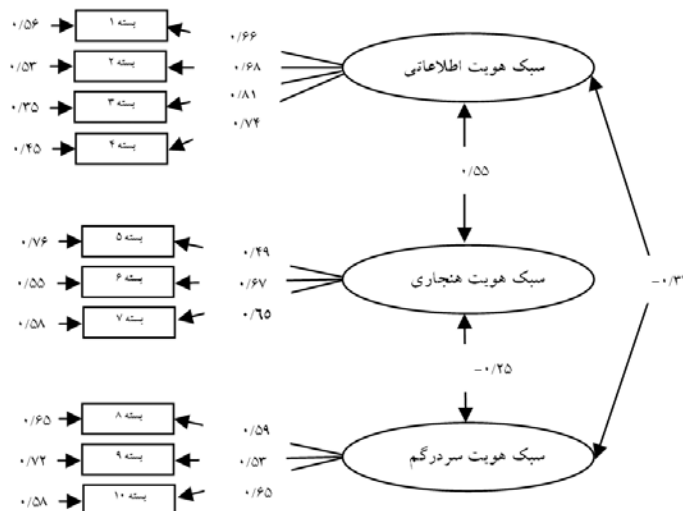
### تحلیل عاملی تأییدی

همان‌طور که پیشتر بیان شد، در مطالعه حاضر، برای بررسی ساختار عاملی نسخه فارسی *ISI*، تحلیل عاملی تأییدی با روش بیشترین احتمال بر اساس ماتریس وارینانس-کواریانس به کار رفت. تحلیل عاملی تأییدی به‌طور جداگانه روی ۳۰ سؤال سبک‌های هویت و ۱۰ سؤال تعهد هویت انجام شد.

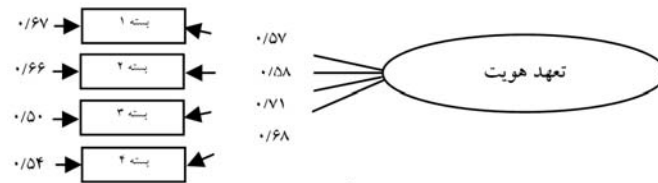
1- Hu	2- Bentler
3- Chi Square	4- Comparative Fit Index
5- Goodness of Fit Index	6- Adjusted Goodness of Fit Index
7- Root Mean Square Residual	
8- Root Mean Square Error of Approximation	
9- Quintana	10- Maxwell
11- Byrne	12- MacCallum
13- Brown	14- Sugawara
15- internal consistency	16- item parcels
17- item-level non-normality	18- Bandalos
19- Widaman	20- Zhang
21- Hong	22- Bagozzi
23- Heatherton	24- parceling

**جدول ۱-** شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک‌های هویت

ابعاد	میانگین	انحراف معیار
اطلاعاتی	۳۹/۲۴	۵/۹۴
هنجاری	۳۱/۳۴	۵/۳۴
سردرگم/اجتنابی	۲۵/۸۵	۵/۶۱
تعهد هویت	۳۶/۴۹	۵/۷۷



**شکل ۱-** ساختار سه‌عاملی سبک‌های پردازش هویت



**شکل ۲-** ساختار تک‌عاملی تعهد هویت

**جدول ۲-** شاخص‌های برازندگی انطباق الگوی سه‌عاملی سبک‌های هویت و الگوی تک‌عاملی تعهد هویت

الگو	$\chi^2$	Df	$\chi^2/df$	CFI	GFI	AGFI	RMSR	RMSEA
الگوی سه‌عاملی	۹۴/۶۸	۴۹	۱/۹۲	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۰۵۹	۰/۰۴۵
الگوی تک‌عاملی	۰/۸۹	۲	۰/۴۴	۱	۱	۰/۹۹	۰/۰۳۴	۰/۰۰۹

**جدول ۳-** ماتریس همبستگی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و مقیاس‌های شش‌گانه بهزیستی روان‌شناختی

متغیرها	استقلال	تسلط محیطی	رشد فردی	روابط مثبت با دیگران	هدف زندگی	پذیرش خود
سبک اطلاعاتی	۰/۱۳**	۰/۳۲**	۰/۳۵**	۰/۲۵**	۰/۳۱**	۰/۲۶**
سبک هنجاری	۰/۰۰۲	۰/۲۱**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۲۳**	۰/۲۰**
سبک سردرگم/اجتنابی	-۰/۱۸**	-۰/۱۵**	-۰/۱۴**	-۰/۰۱۰	-۰/۲۳**	-۰/۰۶
تعهد هویت	۰/۲۵**	۰/۴۷**	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۰/۴۷**	۰/۴۳**

\* $p < 0.05$  , \*\* $p < 0.01$

نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های مطالعات پیشین از قبیل کروسیتی و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که ساختار سه‌عاملی سبک‌های پردازش هویت و ساختار تک‌عاملی تعهد هویت با داده‌ها برازندگی قابل قبولی دارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های مطالعات دانشورپور و همکاران، ۱۳۸۶؛ شگری و همکاران، ۱۳۸۶؛ فیض‌آبادی و همکاران، زیر چاپ، درباره همسانی درونی سبک‌های هویت و تعهد هویت نشان داد که *ISI* از پایایی بالایی نیز برخوردار است. نتایج پژوهش حاضر درباره ساختار عاملی *ISI* و مقادیر همبستگی بین این ابعاد نتایج مطالعه کروسیتی و همکاران (۲۰۰۸) را تکرار می‌کند.

در این پژوهش، به منظور بررسی روایی همگرایی *ISI* همبستگی بین سبک‌های پردازش هویت و تعهد هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی بررسی شد. مقدار و جهت همبستگی بین سبک‌های هویت و تعهد هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی با نتایج مطالعات قبلی (از قبیل ولوراس و بوسما، ۲۰۰۵؛ فیلیس و پیتمن، ۲۰۰۷؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵؛ لویکس و همکاران، ۲۰۰۷؛ شگری و همکاران، ۱۳۸۶) همسو بوده و حمایت تجربی لازم از ابعاد *ISI* را نشان می‌دهد.

ذکر این نکته لازم است که برخی محدودیت‌های پژوهش حاضر، تعمیم‌پذیری نتایج آن را محدود می‌کند. اول، نتایج مطالعه همچون بسیاری از مطالعات دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خود گزارشی (به جای مطالعه رفتار واقعی) ممکن است مشارکت‌کنندگان را به استفاده از شیوه‌های کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی ناشی از بی‌کفایتی فردی ترغیب کند. به عبارت دیگر، در این مطالعه به منظور تأیید مقیاس‌های خود گزارشی، از مشاهده رفتاری و دیگر شاخص‌های بالینی استفاده نشد.

دوم، با وجود اینکه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دانشجویان دختر و پسر بودند، مطالعه ساختار عاملی *ISI* در گروه‌های جنسیتی و به دنبال آن مقایسه معناداری و یا عدم معناداری تفاوت بین شاخص‌های برازندگی انطباق در دو جنس از نظر محققان دور ماند. با وجود محدودیت‌های فوق، نتایج پژوهش حاضر از ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی *ISI* در یک نمونه ایرانی حمایت می‌کند.

علاوه بر این، تعهد هویت با سبک هویت اطلاعاتی رابطه مثبت و معنادار ( $r=0.41^{**}$ ،  $p<0.01$ )، با سبک هویت هنجاری رابطه مثبت و معنادار ( $r=0.41^{**}$ ،  $p<0.01$ ) و با سبک هویت سردرگم-اجتنابی رابطه منفی و معنادار دارد. ( $r=-0.23$ ،  $p<0.01$ )،  $r=0.41^{**}$ .

### روایی همگرا

در این پژوهش، به منظور بررسی روایی همگرایی *ISI* همبستگی بین سبک‌های پردازش هویت و تعهد هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی محاسبه شد.

جدول (۳) همبستگی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و مقیاس‌های شش‌گانه بهزیستی روان‌شناختی را نشان می‌دهد. بین سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار؛ بین سبک هویت هنجاری با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی (به جز مقیاس خودمختاری که رابطه مثبت و غیرمعنادار دارد) رابطه مثبت و معنادار؛ و بین سبک هویت سردرگم با مقیاس‌های استقلال، تسلط بر محیط، رشد فردی و هدف زندگی رابطه منفی و معنادار و با مقیاس‌های روابط مثبت با دیگران و پذیرش خود رابطه منفی و غیرمعنادار به دست آمد. همچنین بین تعهد هویت و مقیاس‌های شش‌گانه بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار به دست آمد.

### نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی *ISI* بود. به بیان دقیق‌تر، در این پژوهش، محققان هم‌ارزی ساختاری نسخه فارسی *ISI* را با نسخه‌های انگلیسی و ایتالیایی و استقلال نسبی و همسانی‌های درونی سبک‌های سه‌گانه و روایی همگرایی *ISI* را از طریق بررسی رابطه سبک‌های پردازش هویت و تعهد هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی مطالعه کردند. نتایج پژوهش حاضر، ثبات ساختار عاملی *ISI* و اعتبار این پرسشنامه را برای سنجش فرآیندهای اجتماعی-شناختی مربوط به شکل‌گیری هویت در دانشجویان ایرانی نشان داد.

است. همچنین، مطالعات آتی می‌توانند توافق پرسشنامه‌های خودسنجی و درجه‌بندی‌های همسالان، همبستگی‌های بین *ISI* و دیگر پرسشنامه‌های مربوط به مفهوم هویت را بررسی کنند. در مجموع، سطوح بالای همسانی درونی، روایی عاملی و روایی همگرایی نسخه فارسی *ISI* با کیفیت روان‌سنجی نسخه اصلی و ایتالیایی (کروسیتی و همکاران، ۲۰۰۸) همسوست. لذا، با توجه به شواهد حمایت‌کننده از کاربردپذیری بین فرهنگی *ISI*، در مواقعی که هدف، سنجش فرآیندهای اجتماعی - شناختی مربوط به شکل‌گیری هویت در دانشجویان است، استفاده از آن ضرورت می‌یابد. چنین ابزاری به محققان اجازه می‌دهد که یافته‌های خود را در بطن ادبیات موجود دیدگاه شناختی - اجتماعی شکل‌گیری هویت، سازمان دهند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۳/۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۶

با توجه به آنکه یکی از شاخص‌های مطرح در ارزیابی مفاهیم و سازه‌ها، قابلیت کاربردی آنها می‌باشد، نتایج پژوهش حاضر از طریق تکرار نتایج مطالعات پیشین، از کاربرد بین‌المللی *ISI* به منظور انجام مطالعاتی با محوریت دیدگاه شناختی - اجتماعی برزونسکی حمایت بیشتری فراهم می‌آورد.

همسو با نتایج برخی مطالعات (برای مثال، کروسیتی و همکاران، ۲۰۰۸)، توجه به نقش برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر سن و جنسیت و عامل فرهنگ در مطالعه الگوی ساختاری پرسشنامه سبک‌های هویت، بررسی تغییرناپذیری ساختار عاملی *ISI* در گروه‌های سنی، جنسیتی و فرهنگی مختلف، بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد. علاوه بر این، بررسی روابط بین ابعاد هویت و متغیرهای مربوط به سلامت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در نهایت، ذکر این نکته نیز ضروری است که برای بررسی توان روان‌سنجی نسخه فارسی *ISI* مطالعات بیشتری مورد نیاز

## منابع

دانشورپور، ز.، تاجیک اسمعیلی، ع.، شهرآرای، م.، فرزاد، و.، و شکر، ا. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار سابق)*، ۱۳ (۴)، ۳۹۳-۴۰۴.

شکر، ا.، تاجیک اسمعیلی، ع.، دانشورپور، ز.، غنایی، ز. و دستجردی، ر. (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۹ (۲)، ۳۳-۴۶.

شکر، ا.، کدیور، پ.، فرزاد، و.، دانشورپور، ز.، دستجردی، ر. و پاییزی، م. (۱۳۸۷). بررسی ساختار عاملی نسخه‌های فارسی سه، نه، ۱۴ سؤالی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار سابق)*، ۱۴ (۲)، ۱۶۱-۱۵۲.

فیض‌آبادی، ز.، فرزاد، و. و شهرآرای، م. (زیر چاپ). بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*.

Bagozzi, R. P., & Heatherton, T. F. (1994). A general approach to representing multifaceted personality constructs: Application to state self-esteem. *Structural Equation Modeling*, 1, 35-67.

Bandalos, D. L. (2002). The effects of item parceling on goodness-of-fit and parameter estimate bias in structural equation modeling. *Structural Equation Modeling*, 9(1), 78-102.

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 268-282.

Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the lifespan: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology*, 1, 155-186.

Berzonsky, M. D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-788.

Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.

Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions:



- A socialcognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1, 303-315.
- Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44, 643-653.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Neimeyer, G. J. (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. *Journal of Research in Personality*, 28, 425-435.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44, 645-655.
- Byrne, B. M. (1994). Testing for the factorial validity, replication, and invariance of a measuring instrument: A paradigmatic application based on the Maslach Burnout Inventory. *Multivariate Behavioral Research*, 29, 289-311.
- Crocetti, E., Rubini, M., Berzonsky, M. D., & Meeus, W. (2008). Brief report: The identity style inventory e validation in Italian adolescents and college students. *Journal of Adolescence*, 32, 425-433.
- Dickey, D. (1996). Testing the fit of our models of psychological dynamics using confirmatory methods: An introductory primer. In B. Thompson (Ed.) *Advances in social science methodology* (pp. 219-227). Greenwich, CT: JAI.
- Giles, D. C. (2002). *Advanced research methods in psychology*: New York: Routledge.
- Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M., & Asgary, A. (2009). Identity styles and academic achievement: Mediating role of academic self-efficacy. *Social Psychology of Education*, 12 (1), 123-135.
- Henson, R. K., Capraro, R. M., & Capraro, M. M. (2004). Reporting practice and use of exploratory factor analysis in educational research journals. *Research in the Schools*, 11, 61-72.
- Hu, L., & Bentler, P. M. (1995). Estimates and tests in structural equation modeling. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications* (pp. 37-55). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indices in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6, 1-55.
- Keyes, C. L. M., Shmotkin, D., & Ryff, C. D. (2002). Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(6), 1007-1022.
- Luyckx, K., Soenens, B., Berzonsky, M. D., Smits, L., Goossens, L., & Vansteenkiste, M. (2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Personality and Individual Differences*, 43, 1099-1111.
- MacCallum, R. C., Brown, M. W., & Sugawara, H. M. (1996). Power analysis and determination of sample size for covariance structure modeling. *Psychological Methods*, 1, 130-149.
- MacCallum, R. C., Widaman, K. F., Zhang, S., & Hong, S. (1999). Sample size in factor analysis. *Psychological Methods*, 4(1), 84-99.
- Phillips, T. M., & Pittman, J. F. (2007). Adolescent psychological well-being by identity style. *Journal of Adolescence*, 30, 1021-1034.
- Quintana, S. M., & Maxwell, S. E. (1999). Implications of recent developments in structural equation modeling for counseling psychology. *The Counseling Psychologist*, 27, 485-527.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1069-1081.
- Thompson, B., & Daniel, L. G. (1996). Factor analytic evidence for the construct validity of scores: A historical overview and some guidelines. *Educational and Psychological Measurement*, 56, 197-208.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28(3), 397-409.